





## بسمه تعالی

### آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی-پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد زیر متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به ((دفتر نشر آثار علمی)) دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت زیر را چاپ کند:

((کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته مهندسی اقتصاد کشاورزی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم مرتضوی و مشاوره جناب آقای دکتر محمد بخشوده از آن دفاع شده است.))

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به ((دفتر نشر آثار علمی)) دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس تادیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتاب های عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب فرزاد سراج زاده دانشجوی رشته مهندسی اقتصاد کشاورزی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه:** با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

**ماده ۱-** حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

**ماده ۲-** انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

**تبصره:** در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

**ماده ۳-** انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

**ماده ۴-** ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

**ماده ۵-** این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

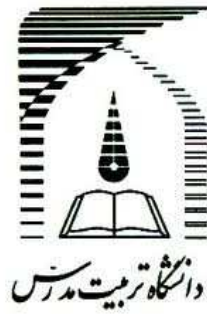
## پاس و قدردانی

از جناب آقای دکتر مرتضوی که راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند، به پاس رهنمودهای

ارزنده شان و نیز زحمات فراوانی که در طول دوران کارشناسی ارشد متقبل شدند

مشکرمی نمایم.

از جناب آقای دکتر محمد بخشوده که مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند کمال تشکر را دارم.



دانشکده کشاورزی

گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته اقتصاد کشاورزی

بررسی اثر رفتار مصرفی و ویژگی‌های دموگرافیک بر تقاضای انواع گوشت در

مناطق شهری و روستایی: کاربرد مدل تقاضای تقریباً ایده‌آل (AIDS)

استاد راهنما

دکتر سید ابوالقاسم مرتضوی

استاد مشاور

دکتر محمد بخشوده

نگارش

فرزاد سراج‌زاده

دی‌ماه ۱۳۹۰

۲	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- اهمیت موضوع
۱۱	۳-۱- اهداف تحقیق
۱۱	۴-۱- سوالات تحقیق
۱۱	۵-۱- فرضیات تحقیق
۱۲	۶-۱- قلمرو تحقیق
۱۲	۱-۶-۱- قلمرو موضوعی
۱۲	۲-۶-۱- قلمرو مکانی
۱۲	۳-۶-۱- قلمرو زمانی
۱۲	۷-۱- روش تحقیق
۱۴	فصل دوم: مروری بر مطالعات گذشته
۱۴	۱-۲- مروری بر مطالعات خارج کشور
۱۷	۲-۲- مروری بر مطالعات داخل کشور
۲۴	فصل سوم: مواد و روشها
۲۴	۱-۳- جمع‌سازی در تئوری مصرف کننده:
۲۵	۱-۱-۳- تئوری کالای مرکب لئونتیف-هیکس (CCT)
۲۶	۲-۱-۳- تفکیک پذیری ضعیف یا تفکیک پذیری تابعی
۲۹	۳-۱-۳- تئوری تعمیم یافته کالای مرکب (GCCT)
۳۲	۲-۳- معرفی الگوی AIDS
۳۵	۱-۲-۳- الگوی AIDS با متغیرهای دموگرافیک:
۳۹	۲-۲-۳- الگوی AIDS با در نظر گرفتن رفتار گذشته مصرف کننده:
۴۱	۳-۳- داده‌های مورد استفاده
۴۱	۴-۳- معرفی پارامترها:
۴۴	فصل چهارم: نتایج و بحث

۴۴	۱-۴-نتایج حاصل ازآزمون جمع‌سازی (GCCT) برای انواع گوشت
۴۴	۱-۱-۴-نتایج حاصل ازآزمون جمع‌سازی (GCCT)انواع گوشت برای خانوارهای شهری
۴۹	۲-۱-۴- نتایج حاصل از آزمون جمع‌سازی (GCCT) انواع گوشت برای خانوارهای روستایی
۵۵	۲-۴- نتایج تخمین‌الگوی AIDS
	۱-۲-۴- نتایج تخمین‌الگوی AIDS با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای شهری
۵۷	
۶۳	۲-۲-۴- نتایج تخمین‌الگوی AIDS با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای روستایی
۶۳	
۷۱	منابع

- جدول ۱-۱: ویژگیهای آماری سهم بودجه اختصاص یافته به هر یک از انواع گوشت توسط یک خانوار شهری ۸
- جدول ۱-۲: ویژگیهای آماری سهم بودجه اختصاص یافته به هر یک از انواع گوشت توسط یک خانوار روستایی ۹
- جدول ۱-۳: متوسط ویژگیهای دموگرافیک خانوارهای شهری و روستایی طی سالهای ۸۸-۱۳۶۱ ۱۰
- جدول ۳-۱: نوع آزمون مورد استفاده برای بررسی ارتباط بین قیمتها در حالت ایستایی و نایستایی متغیرها ۳۱
- جدول ۴-۱: لگاریتم نسبت شاخص قیمت انواع گوشت به شاخص قیمت گروه گوشتها ( $P_i$ ) خانوارهای شهری ۴۵
- جدول ۴-۲: لگاریتم شاخص قیمت گروه گوشتها ( $R_I$ ) خانوارهای شهری ۴۶
- جدول ۴-۳: نتایج آزمون ایستایی شاخصهای قیمت خانوارهای شهری ۴۷
- جدول ۴-۳: بررسی وجود رابطه بلندمدت بین شاخص قیمت گوشت قرمز با شاخص قیمت گروه گوشتها خانوارهای شهری ۴۸
- جدول ۴-۵: نتایج حاصل از بررسی رابطه بلندمدت میان شاخص قیمت انواع گوشت و شاخص قیمت گروه خانوارهای شهری ۴۸
- جدول ۴-۶: پاسخ به وجود یا عدم وجود انواع گوشت در گروه گوشتها در خانوارهای شهری ۴۹



- جدول ۴-۷: لگاریتم نسبت شاخص قیمت انواع گوشت به شاخص قیمت گروه گوشت ها ( $P_i$ )
- ۵۱ خانوارهای روستایی
- جدول ۴-۸: لگاریتم شاخص قیمت گروه گوشتها ( $R_I$ ) خانوارهای روستایی
- ۵۲
- جدول ۴-۹: نتایج آزمون ایستایی شاخص های قیمت خانوارهای روستایی
- ۵۳
- جدول ۴-۱۰: بررسی وجود رابطه بلندمدت بین شاخص قیمت گوشت قرمز با شاخص قیمت گروه گوشت ها خانوارهای روستایی
- ۵۳
- جدول ۴-۱۱: نتایج حاصل از بررسی رابطه بلندمدت میان شاخص قیمت انواع گوشت و شاخص قیمت گروه خانوارهای روستایی
- ۵۴
- جدول ۴-۱۲: پاسخ به وجود یا عدم وجود انواع گوشت در گروه گوشت ها در خانوارهای روستایی
- ۵۴
- جدول ۴-۱۳: نتایج آزمون ایستایی متغیرهای بکار رفته در تخمین الگوی تقاضای خانوارهای شهری
- ۵۵
- ادامه جدول ۴-۱۳: نتایج آزمون ایستایی متغیرهای بکار رفته در تخمین الگوی تقاضای خانوارهای شهری
- ۵۶
- جدول ۴-۱۴: نتایج آزمون ایستایی متغیرهای بکار رفته در تخمین الگوی تقاضای خانوارهای روستایی
- ۵۶
- ادامه جدول ۴-۱۴: نتایج آزمون ایستایی متغیرهای بکار رفته در تخمین الگوی تقاضای خانوارهای روستایی
- ۵۷
- جدول ۴-۱۵: ضرایب سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و بدون رفتار مصرفی گذشته خانوارهای شهری
- ۶۰

- جدول ۴-۱۶: ضرایب سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای شهری
- ۶۰
- جدول ۴-۱۷: کشش های خود قیمتی، متقاطع و مخارج برای سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و بدون رفتار مصرفی گذشته خانوارهای شهری
- ۶۲
- جدول ۴-۱۸: کشش های خود قیمتی، متقاطع و مخارج برای سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای شهری
- ۶۲
- جدول ۴-۱۹: ضرایب سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و بدون رفتار مصرفی گذشته خانوارهای روستایی
- ۶۴
- جدول ۴-۲۰: ضرایب سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای روستایی
- ۶۵
- جدول ۴-۲۱: کشش های خود قیمتی، متقاطع و مخارج برای سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و بدون رفتار مصرفی گذشته خانوارهای روستایی
- ۶۶
- جدول ۴-۲۲: کشش های خود قیمتی، متقاطع و مخارج برای سیستم تقاضای انواع گوشت با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای روستایی
- ۶۷

## فهرست نمودارها

۷

نمودار ۱-۱

۷

نمودار ۲-۱

## چکیده

به طور کلی در ادبیات تقاضای گوشت دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول مبتنی بر این است که تغییرات در تقاضای گوشت ناشی از تغییرات ویژگی‌های دموگرافیک و اقتصادی-اجتماعی مصرف‌کنندگان می‌باشد. رویکرد دوم؛ تغییرات ساختاری را علت تغییرات الگوی مصرفی انواع گوشت می‌داند. مطالعه حاضر بر رویکرد اول تمرکز دارد و در تلاش است که به این سوال پاسخ دهد که آیا علاوه بر متغیرهای اقتصادی مانند قیمت، رفتار مصرفی گذشته خانوار و متغیرهای دموگرافیک نظیر بعدخانوار، سن سرپرست خانوار، تعداد افراد باسواد و شاغل در خانوار بر الگوی مصرفی گوشت خانوارهای شهری و روستایی ایران اثر گذار است؟ به منظور دستیابی به اهداف مطالعه، ابتدا با استفاده از تئوری جمع‌سازی کالای مرکب (GCCT) شرایط جمع‌پذیری انواع گوشت شامل گوشت قرمز، گوشت مرغ و گوشت ماهی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که شرایط تجمیع در مورد سه نوع گوشت مورد بررسی وجود دارد و امکان برآورد سیستمی از معادلات شامل انواع گوشت وجود دارد بنابراین، تقاضای انواع گوشت با بکارگیری الگوی تقاضای تقریباً ایده‌آل (AIDS) بالحاظ عادات مصرفی و متغیرهای دموگرافیک (شامل بعد خانوار، سن سرپرست خانوار، تعداد خانوارهای با سن سرپرست کمتر از ۳۰ سال، بین ۳۰ تا ۶۰ سال و بیشتر از ۶۰ سال)، تعداد افراد باسواد در خانوار و تعداد افراد شاغل در خانوار) برای خانوارهای شهری و روستایی طی سالهای ۸۸-۱۳۶۱ برآورد گردید. در ادامه کسش‌های قیمتی و مخارج محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش اندازه خانوار شهری مصرف گوشت قرمز و گوشت مرغ به یک میزان زیاد شده است. همچنین با افزایش تعداد افراد باسواد و شاغل در خانوارهای شهری، مصرف گوشت قرمز کاهش می‌یابد، درحالی‌که مصرف گوشت مرغ و ماهی بیشتر می‌شود. علاوه بر این، خانوارهای شهری با سرپرست دارای رده‌های سنی مختلف تمایل دارند که الگوهای مخارج مختلفی برای مصرف انواع گوشت داشته باشند. در مناطق روستایی هر چقدر اندازه خانوار بزرگ

تر باشد، سهم مخارج اختصاص یافته به گوشت قرمز کاهش می‌یابد. هرچه تعداد افراد باسواد در -  
خانوارهای روستایی بیشتر می‌شود الگوی مصرفی بسمت مصرف گوشت قرمز افزایش می‌یابد. با -  
افزایش تعداد افراد شاغل در خانوارهای روستایی مصرف گوشت در این خانوارها به طور کلی کاهش  
می‌یابد. در الگوی مصرف خانوارهای روستایی استمرار عادت مصرفی در مصرف گوشت قرمز و مرغ  
وجود دارد.

# فصل اول

## مقدمه و کلیات

## فصل اول: مقدمه

### ۱-۱- مقدمه

غذا همواره بخش مهمی از زندگی بشر بوده و نقش حیاتی آن در حال افزایش می باشد. در طی قرن بیستم، غذا جایگاه مهمی در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها بخصوص کشورهای جهان سوم داشته است. امروزه دولت‌ها با مشکلات پیچیده‌ای در زمینه غذا و خطر نا امنی غذایی مواجه اند. به همین دلیل توجه به تأمین امنیت غذایی از جمله دغدغه‌های مهم هر دولت می باشد. تأمین امنیت غذایی در گرو سیاست‌های تولید محصولات کشاورزی است و آگاهی از وضعیت تولید در برنامه‌ریزی توسعه به منظور دستیابی به امنیت غذایی از جمله امور مهم می باشد. همچنین آشنایی با چگونگی مصرف گروه‌های مختلف درآمدی، ترجیحات و عادات غذایی با توجه به نیازهای غذایی مردم کشور نیز از مواردی است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش کشاورزی برای موفقیت در تأمین امنیت غذایی باید از آن مطلع باشند.

در مطالعات مختلف، تغییر در امنیت غذایی از طریق مطالعه چگونگی تغییر در معیارهای مربوط به مصرف انرژی و پروتئین بررسی شده است (La raki, 1989). گروه‌گوشته‌ها در رابطه با تغییر در تأمین پروتئین مورد نیاز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اهمیت تأمین منابع سالم و غنی از پروتئین از یک سو و همچنین افزایش تقاضا برای این کالا به دلایل مختلف از جمله افزایش جمعیت و تغییر در درآمد، لزوم بررسی الگوی مصرفی این کالای مهم را تبیین می‌کند. بر این اساس، مطالعه حاضر به بررسی اثرات رفتار مصرفی گذشته خانوارها و ویژگی‌های دموگرافیک آنها مانند بعدخانوار، شغل، تحصیلات و سن بر تقاضای انواع گوشت پرداخته است و از این جهت نسبت به مطالعات دیگری که به موضوع تقاضای انواع گوشت پرداخته اند، - نوآوری دارد. علاوه بر این، اکثر مطالعات به برآورد سیستمی از معادلات برای تقاضای کالاهای

خوراکی از جمله انواع گوشت پرداخته‌اند بدون توجه به اینکه آیا قراردادان همه کالاهای دریک گروه و برآورد تقاضای این کالاها دریک سیستم معادلات از نظر تئوری قابل قبول است یاخیر. در- حالیکه گروه‌بندی نادرست کالاها، به شکل خطای تصریح در سیستم تقاضا ظاهر شده و بر مقدار پارامترها و کشش‌های برآورد شده و نیز آزمون فرضیات تابع تقاضا تاثیر می‌گذارد که نتیجه آن ارائه تصویر نادرست از رفتار مصرف کنندگان و ایجاد انحراف در سیاست‌گذارانها است (Davis - 1997). لذا مطالعه حاضر به منظور جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی قبل از برآورد سیستم تقاضای انواع گوشت به انجام آزمون جمع سازی و تحلیل نتایج حاصل از آن پرداخته است. در فصل اول سعی ما بر این است که در مورد اهمیت نقش گوشت و پروتین در سبد غذایی مصرف کننده و نقش آن با توسعه اقتصادی صحبت شود و همچنین در مورد بودجه اختصاص یافته انواع گوشت در سبد غذایی خانوارهای شهری و روستایی مقایسه‌هایی صورت گیرد. از دیگر موضوعات مورد بررسی در این فصل می‌توان به اهمیت ویژگیهای دموگرافیک و عادات مصرفی علاوه بر عوامل اقتصادی بر تابع تقاضا اشاره کرد. در ادامه اهداف تحقیق، سئوالات تحقیق، فرضیات تحقیق و قلمرو تحقیق بیان می‌شود. در فصل دوم ابتدا مروری بر مطالعات خارج کشور و سپس مروری بر مطالعات داخل کشور- داریم و در پایان به جنبه جدید بودن مطالعه حاضر و نواقص مطالعات پیشین اشاره می‌شود. در فصل سوم در روشهای بررسی جمع‌سازی کالاها و چگونگی انتخاب تئوری تعمیم یافته کالای مرکب (GCCT) صحبت می‌کنیم و در ادامه به معرفی الگوی AIDS و روشهای وارد کردن متغیرهای- دموگرافیک به تابع تقاضا می‌پردازیم. در فصل چهارم ابتدا نتایج حاصل از آزمون جمع‌سازی انواع گوشت برای خانوارهای شهری و روستایی سپس نتایج الگوی AIDS با لحاظ متغیرهای دموگرافیک و رفتار مصرفی گذشته خانوارهای شهری و روستایی بررسی و سپس با استفاده از نتایج بدست آمده نتیجه‌گیری کرده و پیشنهادهاتی ارائه می‌کنیم.



## ۱-۲- اهمیت موضوع

رشد جمعیت، بخصوص در کشورهای در حال توسعه، به همراه فقر غذایی در بخش‌هایی از جهان باعث شده است که همچنان موضوع دسترسی کافی به غذا و امنیت غذایی در دستور کار سیاستگذاران اقتصادی-اجتماعی قرار گیرد. از نگاه برنامه‌ریزی و توسعه، غذا هم به عنوان کالای اقتصادی و هم به عنوان یکی از محصولات اصلی توسعه اقتصادی، نقش اساسی در تأمین استقلال کشور، تأمین سلامت جامعه و افزایش کارایی نیروی انسانی دارد (زهري، ۱۳۷۰). مطالعات نشان می‌دهند که غذای اکثر مردم جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه دچار کمبود پروتئین می‌باشد (نیکوگفتار، ۱۳۸۲). امروزه میزان مصرف پروتئین یکی از شاخص‌های مهم تغذیه به شمار می‌رود و جوامعی که از مصرف بالای پروتئین برخوردار باشند دارای رشد فکری و جسمی بیشتر و رفاه اقتصادی و اجتماعی بهتری هستند (قریشی، ۱۳۸۳).

بخش کشاورزی در میان بخش‌های مختلف اقتصادی یک کشور در حال توسعه به عنوان تأمین کننده غذای جامعه از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است (یزدانی و دوراندیش ۱۳۸۲). در ایران نیز بخش کشاورزی با نقش حیاتی و استراتژیک خود، رسالت سنگینی را در پیشبرد توسعه ملی و تأمین نیازها و امنیت غذایی کشور بر عهده گرفته است. بطوریه این بخش ۱/۸۰ درصد عرضه مواد غذایی و ۹۰ درصد نیازهای واحدهای صنایع تبدیلی را طی دهه اخیر تأمین کرده است (گزارش شبکه خبری صنایع غذایی ایران، ۱۳۸۶). لذا لزوم دقت و برنامه‌ریزی دقیق در آن همواره مورد تاکید قرار گرفته است.

در سه دهه گذشته با توجه به رشد جمعیت و بهبود نسبی در شاخص‌های تغذیه‌ای و افزایش قدرت خرید، تقاضا برای محصولات کشاورزی از جمله محصولات پروتئینی افزایش یافته و فزونی آهنگ رشد تقاضا بر نرخ رشد تولید، موجبات تأمین نیازهای ضروری کشور را فراهم ساخته است.

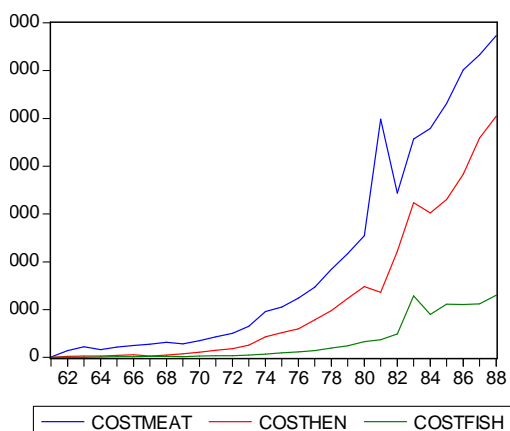
با دقت به ابعاد ملی و فراملی واردات مواد غذایی، تأمین هر چه بیشتر نیازهای غذایی از اهداف استراتژیک در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قلمداد شده و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به آن توجه شده است به نحوی که بخش دام و طیور در برنامه سوم توسعه کشور در اهداف کیفی، اصلاح و توسعه نظام دامداری، ارتقا بهره‌وری منابع دامی، توسعه فرصت‌های شغلی و افزایش تولیدات دامی از اهداف مهم تلقی گردیده است. همچنین در این مدت، ارزش افزوده زیر بخش دام و طیور و شیلات همواره از یک سیر صعودی برخوردار بوده است. به طوری که در سال ۱۳۵۳ نسبت ارزش افزوده بخش دام و طیور به بخش کشاورزی ۴۳ درصد بوده که تا سال ۱۳۶۱ بایک روند نزولی به ۳۴ درصد رسیده است، اما پس از آن روند صعودی داشته به طوری که در سال ۱۳۶۸ به ۴۱ درصد افزایش یافته است و با طی همین روند در سال ۱۳۸۰ نزدیک به ۴۵/۵ درصد از سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی را به خود اختصاص داده است (وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۳).

بر اساس استاندارد بین‌المللی، مصرف مناسب سرانه گوشت قرمز برای هر فرد در سال ۳۵/۴۵ کیلوگرم است، در حالی که مصرف سرانه گوشت قرمز در کشورهای توسعه یافته ۲۶/۷ کیلوگرم و در کشورهای در حال توسعه ۶/۴ کیلوگرم می‌باشد (فائو، ۲۰۰۵). به گزارش معاونت امور دام و طیور وزارت جهاد کشاورزی، مصرف سرانه گوشت قرمز در ایران در سال ۱۳۸۵ برابر ۱۱/۹۳ کیلوگرم بوده است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶). یکی از دلایل وجود شکاف وسیع بین مصرف مناسب و مصرف واقعی گوشت در ایران را می‌توان قیمت بالای آن دانست (شهبازی، ۱۳۸۶). در سال‌های اخیر، مصرف گوشت مرغ افزایش یافته است. افزایش مصرف گوشت مرغ می‌تواند به دلیل تغییر فرهنگ تغذیه‌ای، رشد روز افزون جمعیت و افزایش درآمد سرانه، بالا بودن قیمت کالاهای جانسین (ارزان‌تر بودن گوشت مرغ در مقایسه با سایر گوشت‌ها) و یا سالم بودن گوشت مرغ در مقایسه با گوشت قرمز باشد. همین امر

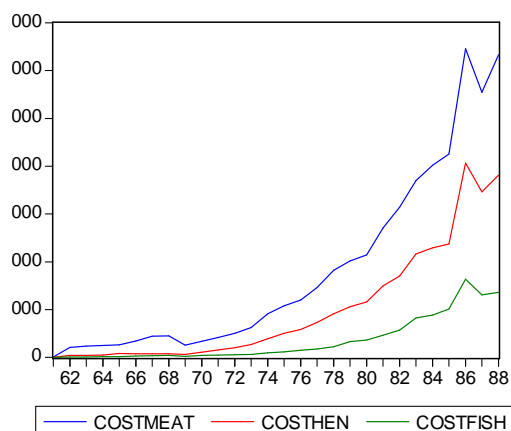
موجب شده تا مصرف آن از حالت تجملی خارج شده و به عنوان کالای اساسی در سبد خانوارها قرار گیرد (یزدان شناس و همکاران، ۱۳۸۸).

بدلیل عادت تغذیه‌ای مردم به مصرف انواع دیگر گوشت و بویژه گوشت قرمز، مصرف ماهی در میان خانوارهای ایرانی جایگاه چندانی ندارد. مقایسه مصرف سرانه گوشت قرمز (۱۱/۹۳ کیلوگرم، گوشت مرغ (۱۱/۷ کیلوگرم) و گوشت ماهی (۵ کیلوگرم) در کشور نشان می‌دهد که به رغم ارزش غذایی و پزشکی گوشت ماهی در مقایسه با محصولات جانشین، فقر مصرف گوشت ماهی در اغلب مناطق کشور وجود دارد (شیرزاد و نسیمی، ۱۳۸۳). همچنین مصرف سرانه آبزیان در کشور (۵ کیلوگرم) در مقایسه با کشورهای صنعتی پیشرفته (۲۷ کیلوگرم) و مصرف سرانه جهانی (۱۵/۴ کیلوگرم) مبین آن است که در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر نیز فقر مصرف گوشت ماهی در بین خانوارهای ایرانی وجود دارد (بی‌نام، ۱۳۸۱).

در برنامه چهارم توسعه افزایش تولید مواد پروتئینی دام و آبزیان در راستای اصلاح ساختار تغذیه به نحوی که سهم سرانه پروتئین حیوانی در الگوی تغذیه به ۲۹ گرم افزایش یابد، مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین از آنجا که ۱۵ تا ۲۰ درصد گوشت قرمز را پروتئین تشکیل می‌دهد، این کالا اهمیت ویژه‌ای در سبد غذایی خانوارها دارد. به طوری که حدود ۲۵ درصد از سبد هزینه‌های خانوارها را در ایران به خود اختصاص داده است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳ و ترکمانی و عزیز، ۱۳۸۰). نمودارهای (۱-۱) و (۲-۱) روند تغییرات هزینه انواع گوشت را در خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۸۸-۱۳۶۱ نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود طی سال‌های ۸۸-۱۳۶۱ هزینه انواع گوشت برای خانوارهای شهری و روستایی در حال افزایش بوده است. به طوری که از سال ۱۳۸۰ به بعد، افزایش در هزینه‌های گوشت با نرخ بیشتری همراه می‌باشد. همچنین در طول سال‌های مورد بررسی، خانوارهای شهری و روستایی همواره درصد عمده‌تری از بودجه خود را صرف گوشت قرمز کرده‌اند و کمترین هزینه را به گوشت ماهی اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱-۲: روند تغییرات هزینه سالانه -  
انواع گوشت خانوارهای روستایی



نمودار ۱-۱: روند تغییرات هزینه سالانه انواع  
گوشت خانوارهای شهری

جدول (۱-۱) ویژگی‌های آماری سهم بودجه اختصاص یافته به هر یک از انواع گوشت توسط یک خانوار شهری را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که هر خانوار شهری به طور متوسط ۶۶ درصد از کل بودجه مربوط به خرید انواع گوشت را به گوشت قرمز اختصاص داده است. پس از آن گوشت مرغ قرار دارد که حدود ۲۶ درصد از بودجه اختصاص یافته به خرید انواع گوشت را شامل می‌شود. گوشت ماهی نیز ۸/۶ درصد از کل بودجه گوشت خانوارهای شهری را تشکیل می‌دهد. البته این سهم‌ها در برخی از سالها کمی متفاوت بوده است. به طوری که حداکثر سهم گوشت قرمز ۸۰ درصد و حداقل آن به حدود ۵۳ درصد نیز رسیده است. بیشترین و کمترین سهم بودجه اختصاص یافته به خرید گوشت مرغ به ترتیب ۳۴ درصد و ۱۴ درصد می‌باشد. حداکثر سهم بودجه‌ای گوشت ماهی ۱۳ درصد و حداقل آن ۵ درصد می‌باشد.